

بقلم مرتضی مدرس چهاردهی

تأثیر علمی و ادبی ایران در تازی

(اثر تازی)

۳

ایرانیان پس از آنکه آشنا با تازیان شدند و زبان عربی را نیکی آموختند دستی بسوی خامه دراز کرده و آغاز نویسندگی نموده و از نویسندگی بجائی رسیدند که تاکنون روزگار تازی مانند آنان را ندیده است و هر يك از نویسندگان تبر دست تازی از شاگردان دبستان نویسندگان نامور ایرانی بوده اند

نویسندگان ایرانی هر کدام در رشته نگارش خود راه ابتکار پیموده و هر کدام از خداوندان نثر نویس تازی بشمار میروند که دسته بسیاری از نویسندگان تازی پیروی از آنان نموده و به شیوه آنان قلم فرسایی نموده اند. نویسندگان ایرانی در نوشته های خود دارای يك رشته از احساسات و خواطری بودند که هر خواننده را فریفته نگارش خود ساخته و روان تازه بخواننده دست میدهد که برای همیشه او را شایسته اینگونه نثر تازی میسازند. نویسندگان ایرانی در انتخاب کلمات و زیبایی آن ذوق مخصوص از خود بروز داده و معانی دقیق و لطیف را با کلمات زیبا آمیخته ساخته و تأثیر زیادی در خواننده ایجاد میسازند. ادبا از نوشته های نویسندگان ایرانی بهره مند میشوند و کودک دبستانی از نگارش آنان بهترین درس های ادبی را آموخته و بهترین مونس تنهایی خود قرار میدهد بدین جهت است که آثار قلمی آنان در دانشکده های ادبی تدریس شده و همیشه ادبا و دانشمندان تازی گفتگو در شیوه نگارش نویسندگان ایرانی نموده و کتاب ها و رساله ها و مقاله های فراوانی درین زمینه نوشته و انتشار میدهند که هر کدام مفاخر و عظمت ایرانیان را نشان میدهد

هنگامیکه در نوشته های نویسندگان ایرانی دقیق شویم خواهیم دید که در شیوه نگارش از خداوندان ادب بوده اند و در جان دادن بمباحث و مطالب دارای احساسات و افکار عالی میباشند و بشهادت دانشمندان آن نوشته ها همیشه شاداب و تازه می باشد. ذوق سلیبم - طبع سرشار - حس راستگویی شیوه نگارش بسیار رسا و توانا که از قریحه بلند آنان تراوش نموده و بقالب تازی در جهان ادبی جلوه گیری نموده همیشه برقرار و جاودانست.

نوشته های ایرانیان مستعرب مانند ندهای آسمانی در قلب و جان خواننده تاثیرات زیادی دارد از این جهت است که هر روز که از عمر جهان بگذرد باز آن نوشته ها تازه و شادابست پیش از ظهور نویسندگان ایرانی تری تازی بسیار محدود و برای ادای معانی نارسا بود و بی اندازه خشک و بی جان بود تا آنکه عبد الحمید و ابن مقفع دستی بسوی خامه دراز نموده و احساسات بلند و افکار عالی را برشته تحریر در آورده و جان تازه به نثر عربی دادند و تاکنون نوشته های آنان از بهترین شاهکار های نثری بشمار میرود وقتی که انسان نوشته های این گونه نویسندگان زبر دست را می خواند گویا باروان و قلب خود سرو کار دارد و هنگامیکه نوشته را به پایان میرساند افسوس میخورد که چرا تمام شده و بیشتر نمی تواند از آن بهره مند گردد !!

شهره مند گردد !!

نویسندگان ایرانی دارای قریحه های بلند و سرشاری بودند که از قربان کوه و دریا و آسمان و زمین و حیوان و نبات گفتگو های ناز و دلکش نموده اند و در گنجینه های ادبی و خاطر ها ثبت شده است نویسندگی در تازی بسیار مشکل است چه هر کدام از کلمات را با آن همه فراوانی مترادفات مورد خاصی لازم است که نویسنده آنان را بکاربرد. يك كلمه تازی گاهی تا دو بست معنی را در بر دارد و یا کنایات و مجازاتی را شامل است که در نوشتن باید تمام آن نکات را مراعات نمود

و هر گاه کسی مراعات ترکیب و انتخاب الفاظ را در نگارش ننماید گوید که دبستانی تازی بر او میخندند که چرا نویسنده مراعات قواعد ادبی و لغوی را ننموده است. ایرانیانی که در زبان بیگانه با آن همه فراوانی لغات و مترادفات میخواستند نویسنده باشند بسیار دشوار است که الفاظ را طوری سر جای خود بکار برند که معانی حقیقی خود را نشان داده و دارای بلاغت و فصاحت باشد. این گونه نویسندگی زحمت یک عمر درازی را لازم دارد.

صاحب بن عباد میگوید اگر من در زمان همدانی مؤلف کتاب مشهور (الالفاظ الکتائیه) بودم حکم میکردم دست او را قطع کنند چه در اثر تالیف این کتاب بسیار نفیس خود کار را بر ادب آسان ساخته و آنان را از رنج جستجو و دقت در الفاظ رهائی داده است.

با وجود این زحمت هائی که در شیوه نگارش تازی مشاهده میشود ایرانیان شیوه را که آغاز نمودند بسیار شیرین و دلکش و همبسی مشکل و دشوار بوده است و با این همه خوب از عهده بیرون آمده و از خدا و دانان شر نویس عرب بشمار رفته اند. با آن همه ایراداتی که تازیان بر احساسات و عقاید تند ایرانیان نموده و نمیتوانستند تا کنون نتوانسته اند خورده گیری بر نوشته های ایرانیان نمایند بلکه ایمان به قریحه سرشار و هوش خدادادی و دانش آنان داشته و دارند و همین ایمان تازیان را خواه ناخواه از شاگردان دبستان دانشوران ایرانی نموده است. هنگامیکه در گذارش زندگانی ایرانیان مستعرب دقت کنیم خواهیم دید که در ایرانیان استعداد نبوغی موجود است که کمتر در سایرین دیده میشود نوشته های آنان دارای اثرات زیادی میباشد و هر کدام از نوشته های آنان بزرگی و عظمت را ثابت مینماید. این گونه دانشمندان زندگانی خود را نه برای شهرت و بزرگواری و جلال و نه ثروت و جاه بلکه تنها از برای حقیقت و دانش خدا کرده و از این جهت بسی رنجها کشیدند و زحمتها دیدند و خون جگرها خوردند باز هم دست از دامان هنر و دانائی برنداشته به کمال سحر انگیز خود

داعی قضیت و لشر آدمیت بوده اند این گونه مردمان ستاره های تابناکی هستند که در جهان بروز مینمایند و گروهها گروه مردم را پیروی از خود دعوت مینمایند برای هر یک از این گونه مردمان سزاوار است که کتاب جدا گانه نوشته شود و دانشمندان تازی این وظیفه را تا اندازه نیکو بجا آورده اند و روز بروز کتابها و رساله های دلکش در وصف هر یک از دانشمندان ایرانی در عالم مطبوعات عرب جلوه گری مینمایند .

تاریخ می گوید نخستین کسیکه شر تازی را از آن خشکی و بی جانی بیرون آورده و سبک نگارش نامه نگاری را بر هم زده و کاخ نوین برای نامه نگاری ایجاد نمود عبدالحمید کاتب مشهور ایرانی است که جهان بلاغت و فصاحت را با احساسات و خواطر بی پایان انسانی آمیخته و بر شیوه نامه نگاری ابواب و فصولی جدا گانه ابتکار کرد و فن جدا گانه ایجاد نمود و در اثر این ابتکار که نمونه از هوش سرشار ایرانی است لقب کاتب را از روی استحقاق به او دادند . آوازه هنر و نویسندگی عبدالحمید بجائی رسید که شعرا اشعار نغز و دلکش در وصف او گفته و نویسندگی او از امثال سائره گشت و تا کنون هم در زبان شعرا و ادبا نویسندگی عبدالحمید بر سر زبان است بجزیری شاعر معروف عرب در قصیده که در مدح محمد بن عبدالملک زیات گفته است میگوید :

قد تفتت فی الكتابة حتی عطل الناس فن عبدالحمید

از کلمات عبدالحمید است القلم شجرة ثمرها الانعاظ - والفکر لؤلؤء -
الحکمة . و از امثال بسیار مشهور تازی است - فتحت الرسائل بعبدالحمید و ختمت
باین حمید . عبد الله ابن مقفع نویسنده کتاب (کللیه و دمنه) در شیوه نگارش
(صورت مستدیره) را خوب توانسته است ادا کند کللیه و دمنه عبارت از
جمله های دراز و مسلسلی است که هر کدام به یکدیگر پیوسته و جدا جدا نیستند و
خواننده پس از پایان جمله های دراز معانی آنرا درک نمیکند بطوریکه اگر یک

جمله وریایک کلام از او بر داشته شود در معانی آن اختلال خواهد رسید و این رشته نگارش را عرب بدایرة تشبیه کرده که اول آن به آخر آن وابسته است و این سبک نگارش شیوه مخصوصی است از نثر ادبی و ادبا سزاوار دانسته اند که یک جمله دارای معانی زیبا و جمله دیگر دارای معانی زشت باشد و این گونه نوشته‌ها در نثر ادبی عرب بسیار فراوان است، گذشتگان و متأخرین این راه را بسیار پیموده‌اند ولی به شهادت تمام دانشمندان نازی بزرگترین و بهترین نمونه از این شیوه نگارش تنها کتاب کلبله و دمنه اثر خامه ابن مقفع نویسنده ایرانی است. جلال و بزرگی ابن مقفع بجائی رسیده است که گروهی از تازیان تشکیک در اصل کتاب کلبله و دمنه هندی نموده‌اند و می‌گویند چون ابن مقفع ایرانی بود و دید نمی‌تواند شاهکار ادبی خود را بنام خویش انتشار دهد ناچار نام ترجمه بر آن نهاده است در کیفیت مرگ عبدالحمید کاتب و ابن مقفع تاریخ مختلف است و ما در اینجا تنها نوشته آقای عباس خللی را عیناً نقل می‌کنیم:

« هنگامیکه می‌خواستند عبدالحمید کاتب مشهور را بکشند عبدالله ابن مقفع حاضر بود تظاهر کرد که من عبدالحمید هستم میخواست خود را قربان دوست بنماید و نزدیک بود او را بکشند که خود عبدالحمید اصرار نمود من هستم و در من علامات و نشانهائی است بهتر این است یک دسته از شما اینجا باشند و دسته دیگر بروند اطلاع دهند تا معلوم شود کدام یک از ما عبدالحمید است پس از کشاکش زیاد معلوم گردید که عبدالله ابن مقفع بنام جوان مردی میخواست خود را قربان دوست نماید عبدالحمید را کشتند نوبت ابن مقفع هم رسید و به امر منصور بدست سفیان ابن معاویه که خصم او بود کشته شده آن شخص بزرگ که قسمت عمده تمدن و آداب و اصول مملکت داری را به اعراب تعلیم نمود مزد خود را از بست ترین مردم گرفت »

وفات عبدالحمید کاتب در ۳۶۰ هجری و ۹۷۰ میلادی اتفاق افتاده

علی بن محمد بن عباس بن حیان توحیدی که از ادباء بزرگ تازی است از کاتبان و مدینه این مقفع پیروی نموده و کتابی بنام (المحاضرات و المناظرات) تألیف نموده وفات ابن حیان توحیدی سنه (۴۰۰ هجری ۱۰۰۹) میلادی می باشد این عمید از خداوندان شرعی و ادبی بشمار میرود و از اساتید سخن و از بزرگترین نویسندگانی است که چشم روزگار کمتر مانند ویرا دیده است . اعراب او را جاحظ اخیر نام نهاده و در فضل و بلاغت به نام او مثال میزنند چنانکه اشاره شد که گفته اند فتحت الرسائل بعبد الحمید و ختمت باین عمید . مقداری از نمونه های شعر و نظم ابن عمید در جزو سوم کتاب بسیار نفیس (بیمة الدهر) ثعالبی نیشابوری مندرج است مقنی شاعر بزرگ عرب یکی از مداحان ابن عمید است که سه هزار دینار برای یک قصیده راثیه از ابن عمید در یافت نمود . ابن عمید سال ها وزارت زکن الدوله دیلمی را داشته و در فضل و بلاغت نادره روزگار بود . تاریخ ادبیات تازی هنوز کسی را در نامه نگاری همانند عبد الحمید کاتب و ابن عمید نشان نداده است و این هم یکی از مفاخر ایران است که یک شاهکار ادبی از آغاز تا انجام آن بدست ایرانیان صورت بگیرد .

گویند ملکه ابداع نظم و نثر کمتر در کسی باهم جمع میشود و این گفته تا اندازه درست است زیرا شعر فرهنگ خیال و عاطفه است و شرافت عقل و فکر مقصود از شعر تصویر جمال و تولید لذت است و مقصود از نثر بهره ایست که از گذارش حقیقت بدست می آید .

اسلوب نظم دارای وزن و قافیه و رنگ و نگارهای خیالی و ترکیب بندی های زیباست از انتخاب الفاظ بر عکس شعر . صاحبان عباد از خداوندان شعر و نثر تازی بشمار میرود که باقریچه سرشار و خامه توانای خود آثار قلمی زیبایی از خود به شعر و نثر بیادگار گذارده است مجلس صاحبان عباد همیشه یک انجمن ادبی و علمی بشمار می رفت که شعرا و ادبا و دانشمندان در آنجا گرد آمده و گفتگوی های دلکش و بسندیده داشته اند که در کتابهای ادبی و کنجینه های

ادبیات ثبت می‌باشد. دیوان صاحب بن عباد مشهور است و نسخه از آن در کتابخانه ایاصوفیا اسلامبول می‌باشد. از قول صاحب بن عباد نقل می‌نمایند که گفته است صد هزار قصیده عربی و فارسی در مدح من سرانیده شده. وفات صاحب بگفته یاقوت مؤلف کتاب معجم الادبا در ۳۸۰ هجری در شهر ری واقع و جنازه اش را به اصفهان نقل کرده‌اند و در آنجا مدفون است. در بخشش و بزرگواری ابن عمید و صاحب بن عباد داستان‌های شگفت و زیبایی در کتب ادبی دیده شده. می‌شود که آنان را مانند حاتم طائی و یابالانتر میدانند. گفته‌های صاحب بن عباد را بزرگان ادبیات تازی ضرب المثل فرار داده و در نوشته‌های ادبی از گفتار او برهان و دلیل می‌آورند.

ابوبکر خوارزمی پسر خواهر محمد بن جریر طبری در لغت و ادب و شعر و انشاء از بزرگان نامور بشمار رفته و منشآت او در کتب ادبی ثبت است و فاتش در ۴۸۳ در نیشابور بود.

بدیع الزمان ابوالفضل همدانی صاحب مقامات و مبتکر آن که حریری و دیگران پیروی از او نموده‌اند و فاتش در هرات ۳۹۸ اتفاق افتاد. در دوره کفونی که شیوه نثر ادبی تازی تغییرات زیادی کرده و هر کدام از نویسندگان زبردست شیوه نویسی را برگزیده و گروهی را مترجم نگارش‌های خود نموده‌اند باز دیده می‌شود که همه آنان از نگارش‌های نویسندگان ایرانی ستایش‌ها کرده و تأثیر آن را در ادبیات عرب اقرار دارند درین دوره چند نفر از نویسندگان مشهور و بزرگ عرب پیروی از نویسندگان گذشته می‌نمایند از قبیل سید معظی لطفی منقلوطی مؤلف کتاب النظرات و (العبرات) و مصطفی رافعی و محمد سباغی و شیخ محمد حسین کاشف الغطاء نجفی و عبیدی و مانند آنان که همه بی‌اندازه بایند به سبک و نگارش دوره‌های گذشته بوده و همه از آن سرچشمه‌های شایگان ادبی آب خورده و پرورش شده‌اند. منقلوطی کیست که در قرن اخیر نظیر او را جامعه تازی بخود ندیده‌است. این نویسنده توانا به اندازه شیوا و شیرین بیانت است که دل‌ها و روان‌ها را به‌خامه توانای خود فریفته ساخته و

دانشمندان عرب او را از شاگردان دبستان نویسنده کلمیله و دمنه میدانند ۱۲
اسحق ادیب و متقی نویسنده مشهور که با خامه توانا و شیوای خود
گفتگوهای سیاسی و اجتماعی را برشته تحریر در آورده است از شاگردان
سید جمال الدین دانشمند بزرگ اسدآبادی میباشد.

آنانیکه می خواهند در جهان نویسندگی و ادبیات تازی دستی داشته
باشند روزگاری را بفراموشی کلمیله و دمنه و کمال البلاغه قاوس و شمگیر زبلی
بسر میرند تا بتوانند در ردیف نویسندگان قرار گرفته و نویسنده زبردست باشند.
شرعاً بی ادبی شیوه ها و اسلوب های رنگارنگی را دارد و هر کدام در مورد خود
خوب و پسندیده است و برای دانستن آن مهارت و استادی زیادی لازم دارد
که بهترین مدارک آن همانا نوشته های تازی اساتید سخن ایرانی میباشد
که امروز در دانشکده های ادبی تازی تدریس می شود

محمد باقر صاحب و مدیر روزنامه روزنامه البلاغ و مجله ماهیانه
(المنتقد) چاپ بیروت پدرش میرزا باقر جوانانی مشهور می باشد و امروزه
از نویسندگان و نامه نگاران مشهور بشمار و سالیان درازی است که عالم
مطبوعات تازی را بوجود و نگارش خود زینت داده.

جعفر خلیلی برادر کوچک عباس خلیلی از نویسندگان عراق عرب
بشمار می رود و مدیر روزنامه زیبا، بنام (الرابعی) در نجف میباشد و در
عالم سیاست و نامه نگاری مقام مهمی را حائز است

گاه گاهی در مطبوعات تازی نثرهای ادبی از عباس خلیلی منتشر میشود
و بسیاری از تازیان را فریفته نثر ادبی خود مانند شعر نموده است

همان گونه که نوشته های ایرانیان در ادبیات تازی تاثیرات زیادی را
از دیرترین زمان تا کنون داشته است قرآن آسمانی و گفتار خاندان نبوت
بویژه گفتار و خطابه های امیرالمؤمنین علی (ع) نیز تاثیرات زیادی در شیوه قلم
نویسندگان ایرانی داشته است و همه آن اساتید را قدرت فصاحت و بلاغت داد
تا توانستند که دارای خامه های زیبا بوده و ادبیات تازی را روان تازه ببخشند.